

# فراخوان به تظاهرات

هم میهن آزاده

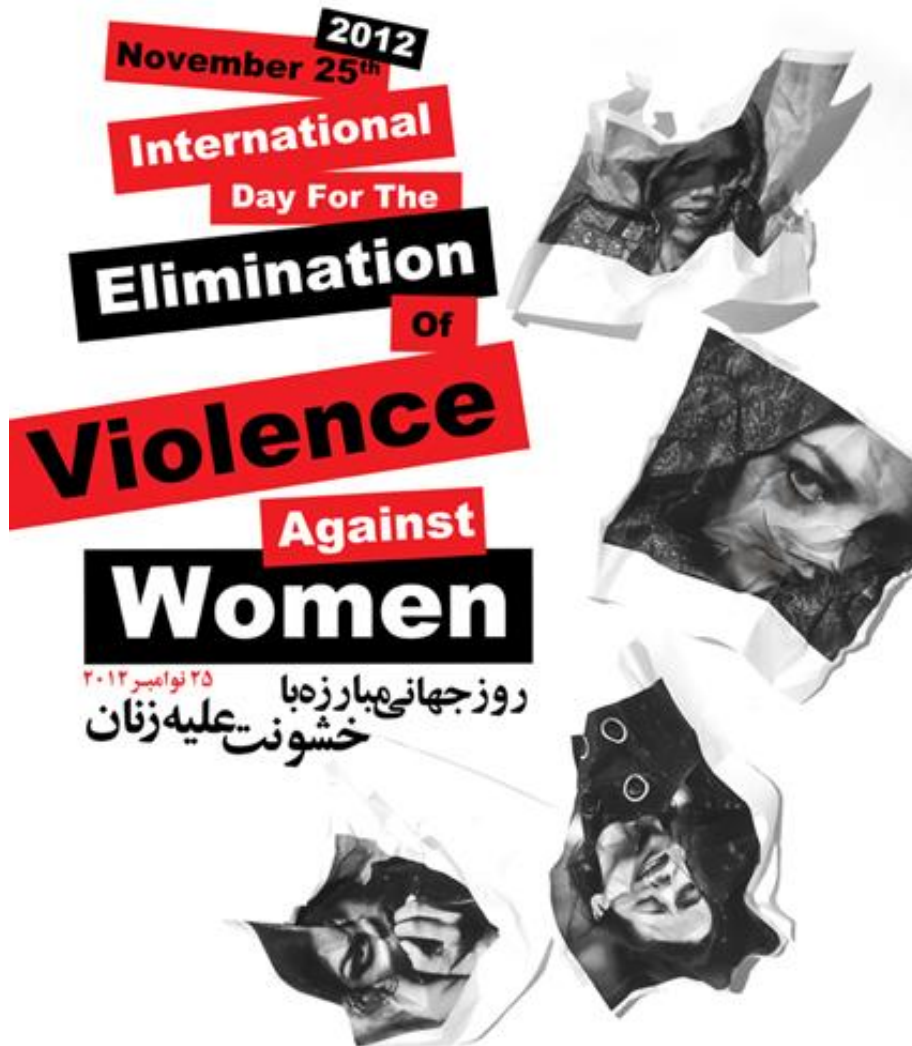
از 34 سال پیش یعنی از ابتدای روی کار آمدنش، جمهوری اسلامی پیوسته خشونت‌ی سازمان یافته و در ردای قانون پیچیده را بر زنان ایرانی اعمال کرده است. با وارد کردن تبعیض جنسیتی در قانون اساسی، جمهوری اسلامی به این بدترین شکل خشونت علیه زنان از همان ابتدا جنبه قانونی داد و راه را برای تضييع حقوق زنان و اعمال خشونت بر آنها در زمینه های گوناگون هموار کرد.

به مناسبت روز جهانی مبارزه برای رفع خشونت علیه زنان و در پاسخ به فراخوان شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران، کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی یک گردهمایی اعتراضی در روز یکشنبه بیست و پنجم نوامبر 2012، در میدان مقابل «مرکز جرج پمپیدو» برگزار می کند.

تلاش ما در این برنامه، اطلاع رسانی هرچه بیشتر به شهروندان فرانسوی در باره اعمال خشونت سازمان یافته دولتی علیه زنان ایران از طریق قانون های ضد زن و افشاگری در باره سرکوب کنشگران جنبش زنان است. ما از همه ایرانیان آزاده در پاریس و حومه دعوت می کنیم که برای انجام هرچه بهتر و کامل تر این وظیفه، در روز یکشنبه 25 نوامبر از ساعت 15:30 تا ساعت 17:00، به ما بپیوندند.

کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی

**Dimanche 25 novembre 2012 de 15:30 à 17:00 - Place Georges-Pompidou, 75004 Paris**



## بیانیه همبستگی برای رفع خشونت علیه زنان

### در آستانه بیست و پنج نوامبر، روز جهانی رفع خشونت علیه زنان

بنابر تعریف سازمان ملل متحد "خشونت علیه زنان" شامل هرگونه رفتاری است که می تواند منجر به آسیب فیزیکی (بدنی)، جنسی یا روانی زنان بشود. موضوع "خشونت علیه زنان" و مصداق‌های آن، برای نخستین بار در بیست دسامبر ۱۹۹۳، توسط کمیته‌ای که زیر نظر کمیسیون حقوق بشر فعالیت می‌کرد، مطرح شد. این کمیته اعلامیه‌ای در مورد رفع "خشونت علیه زنان" منتشر کرد که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد و بسیاری از کشورها از جمله ایران نیز رسید. همچنین روز ۲۵ نوامبر (۱۹۶۰) که خواهران مبارز میرابال، در جمهوری دومینیکن، توسط عمال رافائل تروخیوی دیکتاتور، به قتل رسیدند، از طرف سازمان ملل متحد، به شکل نمادین، به عنوان روز جهانی رفع خشونت علیه زنان، برگزیده شد.

اصطلاح کلی "خشونت علیه زنان" نه تنها شامل ضرب و شتم یا کشتار زنان می شود که ابعاد و اشکال گسترده و گوناگون، نظیر آسیب های روانی را نیز دربر می گیرد. بطور مثال حتی تهدید به ضرب و شتم، اعمال اجبار یا سلب مستبدانه آزادی (چه در اجتماع و چه در زندگی شخصی زن) خشونت علیه زنان است. پائین آوردن سن قانونی ازدواج برای دختران، اجباری بودن حجاب به ضرب کتک، محروم کردن زنان از داشتن یک سری مشاغل مشخص، عدم آزادی در انتخاب محل زیست یا کسب اجازه سفر از پدر یا شوهر نیز از جمله انواع خشونت های شناخته شده نسبت به زنان است. همچنین در جوامعی که مرد متأهل می تواند در یک زمان چند همسر عقدی یا ازدواج موقت داشته باشد، یا از حق طلاق یکطرفه برخوردار بوده و حضانت اطفال قانوناً به او تعلق می گیرد، حس عدم امنیت عاطفی برای زنان در زندگی زناشویی، آنان را بطور مستمر تحت شکنجه و آزار روانی قرار می دهد. همچنین کاربرد کلمات و جملات تحقیر کننده ای که بدن زن، یا درک و فهم او را، بصورت طنز و تمسخر، آماج خود قرار می دهد، مصداق خشونت به شمار می آید. انواع این خشونت‌ها ممکن است در محیط‌های مختلف اجتماعی، محیط خانواده، محل کار، موسسات آموزشی یا حتی به صورت علنی‌تر و سازمان یافته‌تری در خرید و فروش زنان و اجبار آنها به فحشا صورت گیرد. همچنین، در دوران جنگ و کشمکش بین کشورها، تجاوز یا بهره‌کشی جنسی از زنان، اعمال خشونت بر آنان است.

مورد ملاله یوسفزای، دختر چهارده ساله آگاه و فعال پاکستانی که بخاطر تشویق دختران به ادامه تحصیل و ترویج این فکر در میان خانواده های کشور خود، مورد اصابت گلوله طالبانی ضد زن قرار گرفت، نمونه بارز و فاجعه آمیز خشونت علیه زنان در عصر دستاوردهای بزرگ بشری است.

امروزه، در بسیاری از جوامع پیشرفته و دموکراتیک که قانون اساسی بر پایه مفاد حقوق بشر شکل گرفته و زن و مرد از هر لحاظ برابر شناخته می شوند، خشونت علیه زنان چه بصورت فیزیکی و چه روانی، حتی اگر در اثر هیجانات آنی خشم و انتقام، صورت بگیرد، جرم محسوب شده و فرد مجرم باید تحت روان درمانی قرار گیرد. درست برعکس، در جوامعی نظیر ایران، که حکومت فردی و مطلقه، در سایه ارزش های فرهنگ سنتی و ضد زن، به ترویج و تقویت مقررات و قوانین مذهبی، عمل می کند، انواع برشمرده خشونت علیه زنان، نه تنها جرم شناخته نمی شود بلکه فرد خاطی، در محافظت قانون، نه تنها از مجازات، مبرا است که عمل خشونت آمیز او، پنهان در پشت ایدئولوژی مذهبی، به عنوان حفظ و حراست ناموس خانواده تلقی شده، مورد تشویق و تحبیب جامعه سنتی نیز واقع می شود.

کوفی عنان، دبیر کل سابق سازمان ملل متحد، به صراحت بر لزوم تلاش برای رهایی از دو ترس در جامعه جهانی تأکید داشت؛ ترس از مناقشات مسلحانه و جنگ، و نیز ترس از خشونت در حریم خانواده. در خصوص مورد دوم، ما امروز می‌دانیم که دولت‌ها با نحوه تدوین قوانین خود، می‌توانند وارد حریم خانواده‌ها شوند و در رهایی جامعه بشری از این ترس، بسیار تأثیرگذار باشند. گزارشگر منتخب سازمان ملل متحد در گزارشی که از کشورها تهیه می‌کند، سه نکته مهم را مد نظر دارد:

1- آیا مقامات و مسئولین کشور مورد نظر، موضوع خشونت علیه فرد شاکی را پیگیری کرده و مرتکبان آن را مجازات کرده‌اند یا خیر.

2- آیا در آن کشور، مواد قانونی‌ای وجود دارد که به این نوع خشونت‌ها دامن بزند.

3- آیا برای فرد قربانی راه‌های احقاق حق با کارایی مناسب هست یا جبران خسارت شده و آیا برای زنان خشونت دیده، شرایط امنی وجود دارد یا خیر.

چنان که در آغاز ذکر شد، طرفه در این است که ایران از جمله کشورهایی است که اعلامیه جهانی رفع تبعیض و خشونت علیه زنان را امضاء کرده و نسبت به رعایت آن تعهد سپرده است، اما متأسفانه چون کارکرد این نظام بر اساس قوانین مذهبی و ارزش های سنتی است، نه تنها خشونت مردان علیه زنان چه در خانه و چه در اجتماع پیگیری نمی شود، که موجه نیز جلوه می کند. عدم آموزش شناخت و جلوگیری از خشونت در مدارس و آموزشگاه ها به کودکان، تبلیغ و ترویج موضوعی به نام غیرت و صیانت ناموس زن و خانواده، مترادف با موضوعات مذهبی، به مردان و حتی برخی زنان و بسیاری از حاکمان، جواز اعمال خشونت علیه زنان را داده است.

در سی و چهار سال گذشته، گریه رژیم اسلامی ایران، از تمام ابزارهای سرکوب، برای راندن زنان به خانه ها و سلب هویت های فردیشان استفاده کرده، اما اکثر زنان با آگاهی، همچنان به مبارزه علیه نظامی که آزادی انسانی ی آنان را در ید قدرت مردان و حکومت پدرسالار مذهبی قرار داده، ادامه می دهند. یکی از صدها نمونه مقاومت زنان ایرانی علیه خشونت وارده از طرف دولت و حکومت اسلامی، اعتصاب غذای نه تن از زندانیان سیاسی زن بود که علیه یورش ناگهانی و وحشیانه گروه یگان امنیت زنان زندان اوین به بند آنان و بازرسی های بدنی غیراخلاقی، خشونت بار، تحقیرآمیز و غیرانسانی با آنان صورت گرفت.

در آستانه بیست و پنج نوامبر، روزجهانی رفع خشونت علیه زنان، بر ما زنان و مردان فعال و برابری خواه است که از همه انجمن های برابری طلب، سازمان ها، نهادها و کنشگران حقوق بشری و مدنی و همه کسانی که خواهان رهائی زنان از قربانی شدن بخاطر اعمال خشونت می باشند، بخواهیم تا همصدا با ما، با برگزاری مراسم مختلف، اذهان ایرانیان و جهانیان را به فعالیت در این زمینه جلب کرده، بتوانیم گامی هرچند کوچک در این راه دشوار، اما ممکن و حیاتی برداریم.

## امضاکنندگان

1. اتحاد برای ایران - بلژیک
2. اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - آمریکا شمالی
3. اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - نیویورک
4. اتحادبرای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - لس آنجلس
5. اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - شیکاگو
6. اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - اورنج کانتی
7. اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - واشنگتن دی سی
8. اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - مونترال
9. انجمن حقوق بشر و دموکراسی - هامبورگ
10. انجمن زنان ایرانی: مونترال
11. انجمن همبستگی ایرانیان فرزنو
12. انجمن همبستگی ایرانیان دالاس
13. بنیاد اسماعیل خویی - آتلانتا
14. بنیاد "ندا برای ایران آزاد"
15. جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران - جنوب کالیفرنیا
16. جمعیت دفاع از حقوق مردم ایران در اتریش
17. جامعه ی دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران - سوئد
18. جنبش سبز کاردیف - بریتانیا
19. جنبش سبز لندن
20. حامیان مادران پارک لاله - لوس آنجلس- ولی
21. حامیان مادران پارک لاله - دورتموند
22. حامیان مادران پارک لاله - اسلو - نروژ
23. حامیان مادران پارک لاله - ژنو
24. حامیان مادران پارک لاله - ایتالیا
25. حامیان مادران پارک لاله - هامبورگ
26. حامیان مادران پارک لاله - کلن
27. حامیان مادران پارک لاله - وین
28. خانه همبستگی مهر - کلن
29. فدراسیون اروپرس - بلژیک
30. کانون ایران آزاد - آلمان
31. کانون فرهنگی نگاه - اسن
32. کانون حقوق بشر سیمرغ - دورتموند
33. کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران- اتریش
34. کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی - پاریس
35. کمیته نروژی-ایرانی حمایت از مبارزات مردم ایران
36. کمپین بین المللی علیه خشونت در ایران
37. گروه ۲۲ خرداد - هامبورگ
38. گروه گفتگو - ونکوور
39. مادران صلح - مونترال
40. همایش ایرانیان - هامبورگ
41. فعالین حقوق بشر و دموکراسی - هامبورگ
42. شورای حقوق بشر - سوئد